

نشاید که نامت نهند آدمی

شیبا ملک

عضو شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله رشد مدرسه فردا

برگزاری نمایشگاه نقاشی، خواندن کتاب‌ها و قصه‌هایی که چهره دیگری از جنگ را نشان می‌داد. مثلاً کتاب‌های: «تو هرگز نخواهی کشت» «نشان سرخ دلیری» و... .

● هم‌بازی شدن با کودکانی که از نعمت پدر و مادر محروم بودند و مهمان کردن آن‌ها در مدرسه و بازی و دوستی با آن‌ها

در دوران کودکی، یکی از داستان‌های جذابی که هرگز از شنیدن دوباره و چندباره‌اش، آن هم با بیان شیرین مادر بزرگ، سیر نمی‌شدم داستان پادشاهی بود که شب‌ها لباس مبدل می‌پوشید و در شهر می‌گشت و راز دل نیازمندان و محرومان را می‌شنید و هنگام برآمدن آفتاب از کارزارانش می‌خواست که آن افراد نیازمند را به قصر بیاورند و ... و من در اینجای داستان قند در دلم آب می‌شد،... آنجا که با چوب جادوی قدرت پادشاهی، نیازمندان، حاجت‌روا و خندان، به خانه باز می‌گشتند. یکی صاحب‌خانه می‌شد، دیگری کیسه‌ای زر می‌گرفت و آن یکی سوار بر اسبی راهوار به دختر دلخواهش می‌رسید!

در آن دوران اوج فعالیت‌های نیکوکارانه من و کودکان همسالم اهدای یک اسباب‌بازی که دوست داشتیم یا تکه‌ای لباس گرم به کودکان هم‌سن و سالمان بود و یا کمک به جمع‌آوری لوازم ضروری برای زلزله‌زدگان و بسته‌بندی آن‌ها.

اما به مدرسه که رفتیم فعالیت‌های انسانی اجتماعی ما رنگ دیگری به خود گرفت:

• کمک به تأسیس کتابخانه در مدارس محروم و اهدای کتاب‌های خواندنی برای کودکان آن مدرسه‌ها؛

• آشنایی با داستان‌های کودکان در سراسر جهان که با مشکلات و محرومیت‌ها دست و پنجه نرم می‌کردند؛

گاه نامه‌نگاری به آن کودکان؛ مثلاً کودکان ویتنامی (دوران کودکی و نوجوانی من همزمان با روزهای تلخ جنگ ویتنام بود) گفت‌وگو در مورد جنگ و صلح، نقاشی‌های گروهی با مضمون صلح و دوستی و عدالت و

... و ده‌ها فعالیت انسان‌دوستانه دیگر که همه به نوعی ما را نسبت به شرایط جامعه انسانی حساس می‌کند و در نتیجه شاخک‌هایمان در زمینه بی‌عدالتی تیز می‌شد.

بزرگ‌تر که شدم این سؤال برایم پررنگ شد که آیا این‌گونه فعالیت‌ها به بهتر شدن دنیا کمک می‌کند؟ آیا این‌ها واقعاً مصداق‌های عدالت‌ورزی است و یا برعکس به نوعی کنار آمدن و پذیرش نابرابری است؟

اکنون در جایگاه یک معلم به‌گونه‌ای دیگر به مسئله نگاه می‌کنم. این نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و ناملازمات چه بخواهیم و چه نخواهیم در دنیا وجود دارد. دیگر پادشاهی هم نیست که با چوب جادویش اوضاع را بهتر کند. شاید من معلم همان «پادشاه قصه‌ها» هستم که باید در انتقال ارزش‌ها و تربیت کودکان به‌گونه‌ای عمل کنم که در کنار سایر ارزش‌ها، روحیه عدالت‌طلبی و صلح‌جویی و بی‌تفاوت نبودن نسبت به محرومیت‌ها را در آن‌ها پرورش دهم. تربیت شهروندی مسئول، شاید دشوارتر از تربیت نخبگان علمی و آموزشی باشد. این موضوعی است که این روزها در آموزش و پرورش دنیا هم بسیار مورد توجه است. خصوصاً با توجه به تنوع قومیت‌ها و مهاجرپذیری بسیاری از کشورهای، بچه‌ها در مدرسه عملاً در شرایطی قرار می‌گیرند که یادگیری مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران اجتناب‌ناپذیر است.

در اینجا نگاهی به انواع فعالیت‌های رایج که در مدارس در زمینه عدالت‌جویی و تقویت حس نوع‌دوستی در کودکان انجام می‌شود می‌اندازیم:

• معمولاً در آستانه نوروز در مدارس بازارچه‌های خیریه به پا می‌شود و بچه‌ها با ذوق و علاقه در آماده‌سازی و برگزاری این بازارچه‌ها مشارکت می‌کنند؛

• هنگامی که رویداد ناگواری در جایی از این سرزمین روی می‌دهد، مانند سیل و زلزله و... همراهی و همکاری بچه‌ها مثال‌زدنی است. از روشن

کردن شمع و نصب پارچه مشکی گرفته تا آوردن آذوقه و کمک‌های نقدی؛

• معمولاً بعد از سال تحصیلی و خصوصاً بعد از کنکور، خیلی از دانش‌آموزان، کتاب‌های کمک آموزشی خود را بسته‌بندی کرده به مدارس محروم اهدا می‌کنند؛

• سرکشی به کودکان بیمار در بیمارستان‌ها با همراهی معلمان مدرسه؛

و ...

این نوع فعالیت‌ها در مجموعه فعالیت‌های خیریه (Charity) قرار می‌گیرد. کارهایی که در سراسر دنیا، با توجه به فرهنگ و ساختار زندگی هر منطقه به نوعی رواج دارد. معمولاً فعالیت اجتماعی اصلی که در مدرسه به آن بها داده می‌شود از این نوع است. کارهایی که می‌توان آن‌ها را زودبازده خواند. چرا که هم

حس خوشایندی در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند و هم اثری ملموس، هر چند گاه کوتاه‌مدت، بر جامعه هدف این کار خیر دارد.

تشویق و ترویج این فعالیت‌ها و تلفیق آن با برنامه درسی در ایجاد حس نوع‌دوستی و دغدغه‌مند کردن کودکان نسبت به بی‌عدالتی و ناهنجاری‌ها در جامعه، نقش مهمی دارد.

با وجود این، چنین فعالیت‌هایی این باور را در کودکان قوت می‌بخشد که با کارهایی از این دست و خیریه‌ها می‌توان معضلات ناشی از فقر و نابرابری و تبعیض را در جامعه حل کرد، که در واقع چنین نیست.

ما باید بین فعالیت‌های خیریه از یک‌سو و کنش‌های اجتماعی در جهت مطالبه و

برقراری عدالت و رفع تبعیض‌ها و ناملازمات، از سوی دیگر، تفاوت بگذاریم. بدین منظور، می‌توان در مدرسه و کلاس فضایی را ایجاد کرد که دانش‌آموزان درگیر فعالیت‌هایی عمیق‌تر از کارهای خیریه شوند؛ ترویج عدالت‌ورزی می‌تواند در مجال‌های مختلفی در مدرسه روی دهد:

• مثلاً ممکن است زلزله را به‌گونه‌ای دیگر ببینیم. با بچه‌ها گفت‌وگو کنیم. بحث‌هایی در مورد اینکه چرا برخی ساختمان‌ها اینقدر سست است؟ چرا در برخی مناطق این قدر ویرانی به بار آمده و در جای دیگر ساختمان‌ها نسبتاً سالم بوده؟ کودکانی که در این مناطق هستند، الان مطالباتشان چیست، و چگونه می‌توان به‌تر شدن وضعیت زندگی و آموزش آن‌ها کمک کرد؟، و سؤالاتی از این قبیل.

• اگر در مدرسه دانش‌آموزانی با لهجه‌ها و گویش‌های متفاوت هستند، اگر دانش‌آموزان افغانستانی در کلاس هستند، می‌توان در جلسات گفت‌وگو با بچه‌ها از تجربه‌های طردشدگی و تنها ماندن در جمع صحبت کرد. اگر گروهی از بچه‌ها رفتار تبعیض‌آمیز دارند، می‌توان با همراهی خود بچه‌ها راهکاری

فعالیت‌های خیریه، این باور را در کودکان قوت می‌بخشد که با کارهایی از این دست و خیریه‌ها می‌توان معضلات ناشی از فقر و نابرابری و تبعیض را در جامعه حل کرد، که در واقع چنین نیست





در ضمن همهٔ این فعالیت‌ها معلم باید توجه داشته باشد که کنش‌های عدالت‌خواهانه و فعالیت‌های خیریه‌ای، بسیار متفاوت و البته هر دو لازمند. دانش‌آموز باید بیاموزد که این‌ها دو پای راه رفتن برای خدمت به هم‌نوع و کمک به ترویج برابری و عدالت در جامعه است.



ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی حساسیت دانش‌آموزان را به بی‌عدالتی و نابرابری و تبعیض‌های نژادی و فرهنگی و... برمی‌انگیزد. شخصی که چنین ارزشی را کسب کرده باشد بی‌عدالتی نسبت به خود را نمی‌پذیرد و در اعمال بی‌عدالتی نسبت به دیگران شرکت نمی‌کند. تفاوت‌های فردی را درک می‌کند و به فرهنگ دیگران احترام می‌گذارد.

آری! چوب جادوی ما معلمان، اگر بتواند به تربیت شهروندانی مسئول و دغدغه‌مند کمک کند، قطعاً دنیای آینده دنیای بهتری خواهد شد.

برای اصلاح این رفتار یافت. مثلاً با مشارکت بچه‌هایی که طرد شده‌اند می‌توان پوستر طراحی کرد یا حتی نمایشی ترتیب داد و این رفتارها را به چالش کشید.

مشارکت در حرکت‌های اجتماعی در اعتراض به برخی بی‌عدالتی‌ها در جامعه و یا در جهان؛ مثلاً همراهی برای نخریدن یک کالا، شرکت در راه‌پیمایی‌هایی که در اعتراض به جنگ یا تحریم‌ها یا مثلاً برای هوای پاک برگزار می‌شود، یا در کنار یک معلم تسهیلگر که برنامه‌های جانبی هدفمندی در کنار راه‌پیمایی پیش‌بینی کند، می‌توان بستری برای آموزش عدالت‌خواهی و پرداختن به ریشه‌های تبعیض و نابرابری، فراهم کرد. (که البته چگونگی پرداختن به آن بسیار مهم است)

ترتیب دادن نمایشگاه عکس در مدرسه، از موضوعات مختلف، با دغدغه‌های عدالت اجتماعی و به تصویر کشیدن برخی ناهنجاری‌ها و تبعیض‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای بحث پیرامون ریشه‌های این تلخی‌ها را فراهم آورد.

در کنار نمایشگاه این سؤال‌ها می‌تواند پررنگ مطرح شود:

«ما چگونه می‌توانیم در کاهش این ناهنجاری‌ها نقش داشته باشیم؟»

«علت پدید آمدن چنین مشکلاتی چیست؟»

فراهم آوردن چنین مجال‌هایی امکانات ویژه‌ای لازم ندارد. هر معلم دلسوز و با انگیزه‌ای می‌تواند از دل ناهنجاری‌های محیط اطراف و یا حتی رویدادهای درون مدرسه موقعیتی برای ترویج فعالیت‌های انسان‌دوستانه و نیز پرورش مطالبات عدالت‌خواهانه فراهم کند.

ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی حساسیت دانش‌آموزان را به بی‌عدالتی و نابرابری و تبعیض‌های نژادی و فرهنگی و... برمی‌انگیزد. شخصی که چنین ارزشی را کسب کرده باشد بی‌عدالتی نسبت به خود را نمی‌پذیرد و در اعمال بی‌عدالتی نسبت به دیگران شرکت نمی‌کند. تفاوت‌های فردی را درک می‌کند و به فرهنگ دیگران احترام می‌گذارد